

علیرضا خانی سردبیر روزنامه اطلاعات:

**اطلاعات مدیحه سرا نیست**

**انعکاس خوبی ها**

**نیاز جامعه ی آسیب دیده ماست...**



\* از نحوه ورودتان به روزنامه اطلاعات و فعالیت در عرصه روزنامه نگاری بگوئید.

\*\* در سال ۱۳۶۸ مقاله ای نوشتم و آن را به نشانی دفتر روزنامه اطلاعات به صندوق پُست انداختم. به فاصله چند روز، چاپ شد. دو روز پس از انتشار آن

مقاله، دعوتنامه ای به دستم رسید. به دفتر روزنامه اطلاعات رفتم و با حجت الاسلام آقای دعایی و آقای سام ملاقات کردم در حالی که پیش از آن، اصلاً نمی شناختمشان. همان آشنایی نقطه اتصال من با روزنامه اطلاعات شد. آن موقع حدوداً هجده ساله بودم و آن مقاله هم درباره مرحوم دکتر شریعتی بود. از آن موقع این ارتباط شکل گرفته و تا امروز ادامه داشته است.

\* معمولاً شبیهها سرمقاله های جذاب و خواندنی از شما در روزنامه اطلاعات چاپ می شود. شاید این سؤال پیش بیاید که برای نگارش این سرمقاله ها با آن محتوای پُر بار و جذاب و ذکر آمار و تحلیل دقیق برخی از مسائل، چقدر وقت می گذارید؟

\*\* همان طور که مطلع هستید، فعالیت های اجرایی در دفتر روزنامه همیشه با شلوغی و استرس همراه است و همین امر باعث می شود که برای نگارش مقاله یا

یادداشت مناسب و دقیق، نتوانیم به درستی وقت و انرژی بگذاریم و دقت به خرج دهیم. به هر حال نویسنده برای نگارش هر متنی نیاز به بررسی منابع موثق، برنامه ریزی، دقت، تأمل، ویراستاری و بازنویسی دارد که متأسفانه کارهای اجرایی چنین فرصتی را از انسان سلب می کند. در جایگاه سردبیری روزنامه از مسائل خرد تا کلان را باید مراقب بود. از گرما و سرمای تحریریه تا کارهای اداری و مرخصی پرسنل و تا پی گیری اخبار و اطلاعات و تحلیل ها و دست یافتن به استراتژی و صورت بندی صفحه اول شماره فردا اعم از تیترو سوتیر و عکس و ... با توجه به این شرایط و اینکه روزانه بواقع صدها مراجعه همکاران داخل و دهها تلفن داریم، گاهی حتی یافتن پنج دقیقه خلوت بی مرجعه ی بی تلفن غیرممکن می شود. از طرفی تراکم و تعدد زایدالوصف منابع خبری در شرایط امروز، کار را دشوارتر می کند. تا دهه ۶۰ و ۷۰ چند خط مکانیکی تلکس در تحریریه روزنامه ها بود که روزانه تعداد محدودی خبر می فرستاد. دستگاهی به نام «رادیو فوتو» بود که روزانه یکی دو عکس سیاه سفید دریافت می کرد و همانها بعلاوه اخبار تولیدی خبرنگاران تحریریه چاپ می شد. اما امروز بیشتر از ۱۱۰ خبرگزاری و سایت خبری روزانه خبر و عکس می فرستند که فرایند انتخاب و دروازه بانی خبر را بسیار سخت می کند. گاهی برای یک موضوع بیشتر از ۵۰۰ عکس روی سایت ها می آید که انتخاب را بغایت دشوار و زمانبر می کند و فرصت زیادی را می گیرد. بنابراین باید یادداشت را یا در خانه نوشت - که آنجا سخت تر است! - یا در گوشه ای دیگر بجز اتاق کار. فرصت چندانی هم برای تتبع و تدقق نیست بنابراین بیشتر متکی به داشته ها و یافته های تئوریک پیشین هستیم و به اصطلاح از جیب می خورم! به همین خاطر علی رغم اظهار لطف و محبت خوانندگان، خودم چندان از آن یادداشت ها راضی نیستم. چند روز پیش یکی از همکاران تحریریه روی شبکه تلگرام یکی از یادداشت های دو سال پیشم را نشان داد که بیشتر از ۶۰۰ هزار بار دست به دست و خوانده شده بود. گفتم ایکاش برای نوشتنش اندکی بیشتر وقت داشتم! اما با همه این احوالات سعی کرده ام که از یک سو از نوشتن بی محابا

و بدون مقصد و مقصود خودداری کنم و از سوی دیگر از مدیحه‌سرایی پرهیز نمایم؛ چون به هر حال همیشه مداح زیاد و نقاد کم بوده است. مدیحه‌سرایی بیشتر جنبه فرح‌بخشی و ایجاد اعتماد به نفس اغواگرانه برای مدح شونده‌گان دارد و هیچ دردی را دوا نمی‌کند بلکه بر مرداب مصائب سرپوش می‌گذارد، کسی که بتواند در حد توانش «عملکردها و روندها» را نقد کند، به جامعه خدمت کرده است.

سعی می‌کنم یادداشته‌ها را به نحوی بنویسم که همه اقشار جامعه بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند و حتی اگر فنی است، به زبان ساده و همه‌فهم بیان کنم؛ همچنین سعی می‌کنم به تعاریف کلاسیک سرمقاله‌نویسی وفادار باشم. به این معنا که موضوع سرمقاله باید پیوندی با مسائل روز جامعه داشته باشد. بعضی از مسائل روز جامعه، یک‌مرتبه اتفاق می‌افتند. برخی دیگر از مسائل، همیشه مساله جامعه هستند؛ یا لاقلاً در یک مقطع زمانی مساله روز جامعه به شمار می‌آیند؛ برای مثال مسئله بحران آب، معضل بیکاری، تورم، اعتیاد، بحران محیط زیست، فساد و...؛ بنابراین همیشه سعی می‌کنم قواعد و استانداردهای سرمقاله‌نویسی را رعایت نمایم اما اسیر کلیشه‌های کهنه و کهن و شیوه‌های ناحاصل نامراد نشوم؛ آنان که این سبک و سیاق را می‌پسندند بیشتر از درگیری ذهنی نگارنده با کلاف مسائل روز و سبک واکاوی موضوعات کلان با بُرش‌های عمودی و افقی در سطوح زمان و مکان، همراه و هم‌رازند و به گمانم از این منظر به استقبال ذهنی از ستون صفحه نخست برمی‌خیزند، اما دور از هر شکل از تواضع متظاهرانه، من از کار خودم، علی‌الاطلاق رضایت کافی ندارم؛ چون در فرصت محدودی دست به قلم می‌شوم. ذهنم آشفته‌ی هزار کار کوچک و خرد دیگر است، دریغ بهینه نشدن کار و دغدغه دیر شدن دارم و اگر پنهان نکنم، کمی هم هول و اضطراب آن را دارم که نکند نوع نگاهم با نگاه صاحبان نگاه‌های خود درست پندار، زاویه یابد. با این حال تشویق‌های خوانندگان و همین‌طور مدیرمسئول شریف روزنامه باعث شده است که به کارم امیدوار باشم و آن را ادامه دهم.

\* از نظر شما وجه امتیاز روزنامه اطلاعات نسبت به سایر روزنامه‌های کشور در چیست؟

\*\* درباره امتیازهای روزنامه اطلاعات نسبت به سایر روزنامه‌ها نمونه‌های مختلفی را می‌توان بیان کرد. از این نظر که یکی از اعضای این مؤسسه هستم، اگر بخواهم در این باره نظر بدهم شاید شبهه‌ای ایجاد شود که به هر حال هر کسی از حوزه کاری خودش تعریف و تمجید می‌کند و آدم‌ها را به یاد بقالی می‌اندازد که هیچگاه از ماست ترشش نمی‌گویند! اما واقعیت امر این است که این روزنامه قدمتی به درازای قریب یک قرن دارد و در طوفان‌ها و بحران‌ها و تلاطم‌های دوران قبل و بعد از انقلاب توانسته است موضع نسبتاً مستقلی داشته باشد و سیاست اعتدال‌گرایانه را حفظ نماید و در این راه هزینه کند. شاید در بزنگاه‌هایی که جامعه دچار تلاطم می‌شود، برخی از خوانندگان انتظار داشته باشند که روزنامه با زبان و قلمی بُرنا و بُرنده، تیز و تند و پیش‌تاز و پُرهیجان عمل کند؛ اما این روزنامه در چنین مواقعی خط‌مشی اعتدالی و اصولی خود را حفظ می‌کند و این همان هزینه‌ای است که بر سر اصول می‌پردازد. اما همان خط‌مشی اصولی، عقلانی و اعتدالی است که باعث می‌شود روزنامه مسیر خود را آرام و پیوسته و صحیح و سنگین طی کند. قطعاً بزرگترین وجه امتیاز روزنامه اطلاعات شخص آقای دعایی است. مجموعه موفقیت‌های اطلاعات و جایگاه شایسته‌ای که نزد مردم و بزرگان و اندیشمندان دارد مرهون شانس بزرگی است که مؤسسه اطلاعات بعد از انقلاب آن را به دست آورده و آن مدیرمسئولی است که چون کشتیبانی تیزبین و دوراندیش، روزنامه و موسسه را از امواج مهیب و توفان‌های خطیر و گرداب‌های فروبرنده نجات داد. واقعاً اگر کسی جز ایشان مدیر این روزنامه بود، معلوم نبود که وضعیت روزنامه چگونه می‌شد.

خط‌مشی اخلاقی و سیاسی آقای دعایی باعث شده روزنامه اطلاعات، روزنامه‌ای باشد که التهاب ایجاد نکند، مسائل خرد را کلان جلوه ندهد، جنجال و بزرگنمایی و غوغاگری نکند، ناحقی را به‌جای حق جا نزند و سعی کند به‌جای مدیحه‌سرایی یا هتک و توهین، مسیر عقلانی

و اخلاقی را در پیش بگیرد و حرمت‌ها را حفظ کند و به حقوق افراد احترام بگذارد؛ از توهین، تهدید، دروغ و جعل پرهیز کند و در عین حال سعی کند روند آهسته و پیوسته و معقولی را، در نقد رویه های نادرست و افعال ناروا و نیز تحسین و تکریم رفتارهای انسانی و اسلامی و بشردوستانه و پیشرفت مدار طی کند. در علم حقوق قاعده ای داریم که قاضی ، در موقعی که به یقین مطلق نرسیده است، باید به گونه ای عمل کند که « تبرئه مجرم بر مجازات بی گناه مرجح باشد». این قاعده ای ست که آقای دعایی در عالم روزنامه و رسانه ، به آن عمل می کند.

ایشان شخصیت بزرگی هم برای خوانندگان روزنامه و هم برای کارکنان آن بوده است. شخصیتی که از یک سو فرهمند است و از یک سو فروتن . ساده زیست و سلیم النفس و پاکیزه است. از روزنامه حقوق نمی گیرد همانطور که از مجلس نمی گرفت. با همه کارکنان رابطه ای انسانی و صمیمانه و خاضعانه دارد. تحریریه را تشویق و تکریم می کند و خیلی خصائص و فضائل دیگر که باید در مجالی مستقل به آن پرداخت. هرچند خودشان از تعریف و تمجید دیگران از ویژگی های اخلاقی شان پرهیز و گریز دارند، اما نه بر سبیل تعریف و تعارف ، بلکه با هدف ترویج و توسعه خصائل انسانی و مکارم اخلاقی باید به آن پرداخت. این چیزی است که جامعه ی آسیب دیده ما سخت به آن نیاز دارد. به هر روی شاید حضور من در اینجا صرفاً به دلیل برخورداری و موسسه اطلاعات از مدیری اینگونه باشد. گمان نمی‌کنم اگر شخص دیگری جز ایشان مدیرمسئول روزنامه اطلاعات بود ، من الان در این جایگاه، که از ابتدا در برنامه و چشم انداز زندگی ام نبود، با شما مصاحبه می‌کردم.

در باب روند و چرخش کار روزنامه، خود روزنامه مُبین این عملکرد است؛ چون روزنامه برخلاف برخی نهادهای دیگر که شاید بیشتر واجد کارکردهای بوروکراتیک و اداری هستند، محصول روزانه‌ای دارد که عملکرد خود را به روشنی نشان می‌دهد. سعی ما بر این است که اصول حرفه‌ای را در کار رعایت کنیم. گاهی که ممکن

است مرز بین اصول حرفه‌ای و اخلاق خدشه‌دار شود و ما ناچار باشیم یکی را انتخاب کنیم و دیگری را زیر پا بگذاریم، قطعاً از میان این دو، اخلاق را برمی‌گزینیم. فرض کنید جنایت بزرگی رخ بدهد. چنین رخدادی می‌تواند روح و روان افراد جامعه را به شدت جریحه‌دار کند، اخلاق و امنیت جامعه را دچار خسارت کند و احساس ناامنی عمومی و هراس به وجود آورد . از سوی دیگر، این واقعه داغ ترین خبر روز است. شاید پیروی از اصول حرفه‌ای ژورنالیستی در این باشد که خبر چنین رخدادی را در صفحه اول روزنامه با تیتیر برجسته بازتاب دهیم تا از قافله رسانه های حرفه ای عقب نمانیم؛ اما ترجیح ما بر این است که اصول اخلاقی را ارجح بدانیم. هیچ‌گاه به بهای اینکه با برخی تیترها، تیراژ خود را بالا ببریم، ذهن جامعه را مشوش و منکوب نمی‌کنیم و موجب تزریق احساس ترس و اضطاب و یاس، در جامعه ی نگران نمی‌شویم. به عبارتی ، اولویت ما منافع ملی است نه رقابت صنفی.

\* اگر بخواهید نقدی به روزنامه اطلاعات وارد بدانید، آن نقد چه خواهد بود؟

\*\* هیچ سازمانی وجود ندارد که خالی از عیب و نقص باشد. اساساً هر سازمانی هر قدر هم که خوب باشد، می‌تواند وضعیت بهتری داشته باشد. طبیعتاً باید دیگران نقد کنند؛ اما اگر من خودم را جای خوانندگان بگذارم، اولین خواسته‌ام به‌عنوان خواننده این است که روزنامه به لحاظ ظاهر، سایز، نوع چاپ و کیفیت رنگ آراسته تر شود. همچنین من دوست دارم به‌عنوان خواننده در دوره‌های زمانی ویژه‌نامه‌های پُرمحتوایی را در روزنامه داشته باشم؛ تا با نگاهی موسع و ژرف ، به واکاوی برخی موضوعات حول یک محور پردازد . بعضی از روزنامه‌ها این ویژه‌نامه‌ها را دارند و ما هم به فراخور مناسبت‌های مهم سال چنین طرحی داریم؛ مثل ویژه‌نامه نوروز. با این حال به نظرم می‌توان با فاصله زمانی کمتر ویژه‌نامه‌های موضوعی داشته باشیم. امیدواریم فرصت آن را پیدا کنیم. معمولاً محدودیت‌های فنی و اقتصادی مانع این کار می‌شود. در زمینه چاپ محدودیت فنی داریم و در زمینه انتشار ضمایم پُرمحتوا و پُرفصحه محدودیت‌های

اقتصادی. به‌عنوان خواننده دوست دارم این اتفاق بیفتد. امیدوارم که در آینده با بهتر شدن شرایط اقتصادی این امکان برای ما فراهم شود.

امروز فضای مجازی بسیار قوی شده و جای بخشی از تیراژ روزنامه‌ها را گرفته است. بسیاری از روزنامه‌ها به این سو رفته‌اند که خود را در فضای مجازی مطرح کنند. البته بخش فنی ما در این زمینه سایت خوبی را راه‌اندازی کرده است، اما متأسفانه آنلاین نیستیم. جای یک سایت آنلاین که بتواند خبرها را به‌صورت مداوم درج و آن‌ها را تحلیل کند، گزارش‌های متنی و تصویری داشته باشد، خالیست. در فضای مجازی پیام‌رسان‌ها، حضور فعالی داریم، با این حال امیدوارم که حضور فعال‌تری داشته باشیم.

\* مواضع و دیدگاه‌های سیاسی و فرهنگی کارکنان این مجموعه، به‌خصوص اعضای تحریریه روزنامه تا چه حد به هم نزدیک است؟ با اختلاف دیدگاه‌ها در چنین مجموعه‌ای چگونه تعامل می‌کنید؟

\*\* می‌توان سازمان را به یک تیم ورزشی یا یک خانواده تشبیه کرد. معمولاً حوزه‌های مشترک افراد خانواده زیاد است. به خاطر اینکه در طول زمان در کنار هم هستند، ویژگی‌های رفتاری شان به هم تسری می‌یابد و زمینه‌های ذهنی و صورت بندی اندیشه شان به هم تا حدودی نزدیک می‌شود. از این نظر می‌گویم «تا حدودی»، چون هر انسانی ماهیت مستقل و منحصر به فردی دارد؛ در عین حال ویژگی‌های فردی و رفتاری می‌تواند در اثر مجاورت و مؤانست با افراد دیگر قرابت و شباهت ایجاد کند. از این نظر اگر مؤسسه اطلاعات را یک خانواده بدانیم، در طول سالیان نوعی همگرایی و همدلی بین این مجموعه به وجود آمده و این همگرایی رشد کرده و بیش و کم مختصاتی شبیه یک پارادایم یافته است. به نظرم وجه امتیاز موسسه اطلاعات از نهادهای دیگری که هر چند سال یک‌بار مدیرانشان عوض می‌شود در همین است. معمولاً در این قبیل نهادها هر مدیری با خطمشی و سلیقه و گرایش سیاسی و فرهنگی خاصی وارد کار می‌شود؛ به همین خاطر آن نهاد دچار نابسامانی فکری می‌شود و ممکن

است حرکت موجی و زیگزاگی داشته باشد. از این نظر مؤسسه اطلاعات این شانس را داشته که در طول این سالیان با ثبات و پایداری همراه باشد. اعضای مجموعه همدیگر را یافته‌اند و کسانی در اینجا کار می‌کنند که به خطمشی روزنامه معتقد و وفادار و با همدیگر همراه و همدل هستند و میزان اصطکاک و ناهم‌نواپی در این مجموعه در حداقل ممکن است.

\* تعداد افرادی که در این مجموعه مشغول هستند، چقدر است؟

\*\* در سایت مرکزی حدود ۹۰۰ نفر مشغول به کار هستند. البته سابقاً تعداد کارکنان بیشتر بود؛ اما در راستای سیاست بهینه‌سازی و افزایش راندمان و کاهش هزینه‌ها، تعداد کارکنان مؤسسه به تدریج کمتر شد. با این حال هیچ وقت سیاست تعدیل نیرو اجرا نشده است، بلکه با بازنشسته شدن بخشی از کارکنان در استخدام نیروهای جدید با احتیاط و وسواس عمل می‌شود. در همه استان‌ها دفتر نمایندگی داریم؛ همچنین در عمده شهرستان‌ها رابط خبری داریم؛ یعنی خبرنگارانی که محلی هستند و برای روزنامه خبر تهیه می‌کنند.

\* در پایان اگر نکته‌ای درباره روزنامه اطلاعات باقی مانده و لازم است بیان شود، آن را به‌عنوان حسن ختام گفتگو بیان بفرمایید.

\*\* روزنامه اطلاعات، یک نهاد مدنی کهن و شناخته شده است؛ نهادهایی که در طول تاریخ به نهاد مدنی تبدیل می‌شوند خود، مستقلاً بخشی از فرهنگ و کنش فرهنگی جامعه‌اند. اطلاعات به یکی از ستارگان آسمان فرهنگی قلمرو ملی ایران تبدیل شده است. چنین نهادهایی، به حرمت و اعتبار جایگاهشان، هرگز نباید به ابزار سیاسی و بانندی جریانی تبدیل شوند. چون اعتبار و صلابت پیشه و پیشینه شان فرو می‌ریزد. خوشبختانه این استقلال رای و نظر در روزنامه اطلاعات به تمامی وجود دارد و اطلاعات واجد این معناست. اطلاعات تحت تأثیر جریان‌ها و جناح‌های سیاسی قرار نمی‌گیرد و بر اساس منافع ملی عمل می‌کند و آن را محور کار خود قرار می‌دهد. حرمت همه دولت‌ها را حفظ می‌کند و

جایگاه همهٔ مسئولان را به رسمیت می‌شناسد اما مداح آنها نیست و سعی می‌کند از زاویه ای وسیع و همه جانبه نگر، مسائل و موضوعات کلان را به نقد و ارزیابی بنشیند و از اسارت در تنگنای روزمرگی بپرهیزد. این نکتهٔ اساسی رهین بلندنظری و دوراندیشی و سلامت نفس مدیر مسئول ارجمند روزنامه آقای دعایی است و لازم می‌دانم همکارانم را ، به خاطر وفاداری به آن تحسین و تمجید کنم. اعضای تحریریهٔ ما افراد بسیار سلیم، دلسوز و سخت‌کوش هستند و دل همهٔ آنان برای کشورشان می‌تپد و بهترین آرزوها را برای مردم جامعهٔ خود دارند. به آرمان های سازمانی خود که برگرفته از آرمان های ملی است وفادارند. به مدیرمسئول روزنامه علاقه‌مند هستند و رابطهٔ بسیار انسانی و عاطفی با ایشان دارند. این ها ، سرمایه های انسانی و اجتماعی است که در طول سالیان با سلول سلول وجود انسانهایی دلسوز به دست آمده است و همچون گوهری گران و گرانسنگ، باید بی خدشه و خراش ، به دست نسل های بعد برسد...